



انعکاس وضعیت اقتصادی بغداد در هنگامه حمله مغول (قرن هفتم هجری) در منابع تاریخی

فاطمه جان احمدی^۱

ابراهیم شمسی‌اژیه^۲

چکیده

بغداد یا مدینه‌السلام کلان‌شهری اسلامی است که در طی خلافت عباسیان (۶۵۶-۱۴۵ ه.ق.) جایگاه خود را به‌عنوان پایتخت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جهان اسلام حفظ کرد. مسئله پژوهش حاضر بررسی وضعیت اقتصادی بغداد در قرن هفتم هجری قمری است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بعد از تسلط آل بویه بر بغداد از قدرت مطلق خلفای عباسی کاسته شد و این وضع به نابسامانی بغداد دامن زد. در پی آن سلاطین سلجوقی، پادشاهان خوارزمشاهی و اسماعیلیان نیز بر بحرانی‌شدن اوضاع افزودند. با بروز بحران سیاسی، وضعیت اقتصادی و به ویژه کشاورزی، تجارت و صنعت عباسیان به رکود دچار شد. با حملات مغولان عظمت و جایگاه آنان از بین رفت و لطمت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زیادی بر خلافت عباسی وارد آمد. پس از کشتار وسیع در شهر بغداد، حاکمیت ایلخانی استقرار یافت و به دستور هلاکوخان، عطا ملک جوینی و سپس برادرزاده‌اش به حکومت بغداد منصوب شدند و به مدت بیست و چهار سال بر این شهر حکمرانی کردند. اقدامات اصلاحی عطا ملک و غازان‌خان فرمانروای مغولی، در احیای مجدد مجد و شکوه بغداد تأثیر به‌سزایی برجای گذاشت.

واژه‌های کلیدی: بغداد، عباسیان، مغولان، وضعیت اقتصادی، هجوم مغولان

^۱. استاد گروه تاریخ دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس. f.janahmadi@modares.ac.ir

^۲. دانش آموخته تاریخ اسلام گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. shams.ebrahim71@gmail.com

مقدمه

بغداد شهری بر ساخته عباسیان است که حضور خلفا و کارگزاران ایرانی و دیگر اقوام در آنجا و سیاست‌گذاری‌های آنان، بغداد را به پایتخت مهم و افسانه‌ای تبدیل کرد. رخدادهای ناگواری چون حمله مغول به شدت در وضعیت اقتصادی بغداد تأثیر گذاشت، هرچند هرگز به نابودی آن نینجامید. این شهر در اواخر خلافت عباسی با نابسامانی‌هایی در زمینه کشاورزی، صنعت و تجارت مواجه بود، اما هجوم ویرانگر مغولان به ویرانی زیرساخت‌های اقتصادی و حتی سیاسی و فرهنگی بغداد انجامید. همچنین، اضمحلال و نابودی نیروی انسانی را موجب شد. مطابق مطالعات مقدماتی شهر بغداد پس از تسخیر مغولان، در یک دوره بیست و چهار ساله در دست ایرانیان و تحت نظارت آنان قرار گرفت. با وجود وضعیت نامساعد اقتصادی پس از خلیفه الناصرالدین الله و نیز صدمات ناشی از حملات مغول و به رغم تلاش‌های بی‌شائبه وزیران و دیوان‌سالاران ایرانی برای بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی، به دلایل مختلف این شهر هرگز به رشد و شکوفایی ادوار نخستین خلافت عباسی نرسید. حمله مغول و تأثیرگذاری آن در جهان اسلام و حتی مناطق اطراف آن، همواره توجه محققان را به ابعاد مختلف این واقعه جلب کرده است و کتاب‌ها و مقالات متعددی درباره آن نوشته‌اند. این پژوهش بر آن است با بررسی وضعیت اقتصادی بغداد قبل و بعد از حمله مغول، علل تداوم تخریب زیرساخت‌های اقتصادی این شهر را واکاود.

به علت کم‌توجهی مورخان به وضعیت اقتصادی شهرها، اطلاعاتی اندکی در این باره در منابع ارائه شده است. این مطالب اندک هم به صورت پراکنده در کتب فارسی و عربی نقل شده که به گردآوری و جمع‌بندی نیازمند است. بیشتر مورخان که وقایع عصر مغول را روایت کرده‌اند از نزدیکان و زیردستان و، یا کارگزاران مغولان هستند و همین قضیه تصمیم‌گیری درباره گزارش‌های تاریخی آنان را سخت‌تر و در مواقعی تردیدپذیر می‌کند. تاکنون هیچ پژوهش مستقلی درباره وضعیت اقتصادی بغداد در قرن هفتم هجری قمری انجام نشده است. تألیفاتی که درباره وضعیت این شهر در این قرن نگاشته شده، به وضعیت اقتصادی بغداد توجه چندانی نداشته و به اشاراتی گذرا درباره آن اکتفا کرده‌اند. تاریخ‌نگاران انگشت‌شماری مانند ابن فوطی در *حوادث الجامعة*، عطاملک جوینی در *تاریخ جهانگشا*، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در *جامع‌التواریخ*، برخی وقایع



اقتصادی این عصر را بازگو کرده‌اند. نگارندگان نوشتار حاضر در پی آنند که ضمن بررسی وضعیت اقتصادی شهر بغداد در قرن هفتم هجری قمری، به تشریح وضعیت سیاسی عباسیان نیز بپردازد. این مقاله به سه سؤال پاسخ می‌دهد: وضعیت اقتصادی بغداد پیش از سقوط چگونه بوده است؟ وضعیت اقتصادی بغداد پس از حمله مغول تا انتهای قرن هفتم به چه منوالی بود؟ چه عواملی زوال سیاسی عباسیان را موجب شد؟

بازتاب اخبار سیاسی بغداد در در آستانه سقوط ناشی از حمله مغول در منابع تاریخی

پس از تشکیل خلافت عباسی، ثبات سیاسی حکومت زمینه‌ساز رشد و شکوفایی جامعه اسلامی شد. با گذشت چند قرن، قدرت سیاسی و معنوی خلفا به قدرت معنوی فرو کاست و قدرت سیاسی در اختیار امیران بویهی قرار گرفت. به‌مرور زمان قدرت امیران آل‌بویه نیز کاسته شد و به‌جای آنان سلاطین سلجوقی ظهور کردند. هرچند گمان‌ها بر این بود که با آمدن سلجوقیان قدرت سیاسی خلفای عباسی بازمی‌گردد، اما این‌گونه نشد و در دوران سلجوقیان نیز قدرت خلفا در قدرت معنوی منحصر ماند، تا اینکه در سال ۵۴۳ هجری قمری، تجدید حیات خلافت عباسی صورت گرفت (طغوش، ۱۳۸۳: ۲۹۲). طی درگیری بر سر سلطنت سلجوقیان، خلفای عباسی از فرصت استفاده کردند و جان دوباره‌ای یافتند تا اینکه در دوران خلیفه ناصر کاملاً از سلاجقه مستقل شدند (همان، ۱۳۸۳: ۲۹۳). بعد از آنکه شر سلجوقیان از سر خلفای عباسی کم شد، خوارزمشاهیان به رهبری علاءالدین محمد خوارزمشاه درصدد قدرت گرفتن از خلیفه ناصر برآمدند (همان، ۱۳۸۳: ۲۹۶). خلیفه که وضعیت را در برابر سلطان محمد خوارزمشاه نامساعد می‌دید، از قدرت دیگری به نام مغولان برای سرکوب آنان کمک خواست. از این‌رو، به چنگیزخان نامه‌هایی نوشت و او را تشویق کرد به سرزمین‌های اسلامی بیاید و خوارزمشاهیان را سرکوب کند (اقبال، ۱۹۹۰: ۳۳۲-۳۳۳). چنگیز به نامه‌های خلیفه توجهی نکرد تا اینکه یکی از هیئت‌های تجاری او در شهر اترار توسط اینال‌خان به یغما رفت و این عمل زمینه‌ساز سقوط خوارزمشاهیان شد (Curtin, ۱۹۰۸: ۹۹). مغولان پس از سقوط خوارزمشاهیان به مدت چهل سال به غرب توجهی نشان ندادند تا اینکه منکوقان، حمله به



ایران را به هلاکوخان سپرد. او ابتدا بر اسماعیلیان چیره شد و در نهایت، بر بغداد و خلافت پانصدساله عباسی فایق آمد (طقوش، ۱۳۸۳: ۲۹۷). هلاکو پس از غلبه بر مستعصم آخرین خلیفه عباسی، چون از اهمیت شهر بغداد آگاه بود، شغل‌های دیوانی و نظامی را میان افراد تقسیم کرد. او عطاملک جوینی را به فرمانروایی بغداد، ابن‌علقمی را به وزارت، نجم‌الدین بن جعفر احمد عمران را به حکومت قسمت‌های شرقی، نظام‌الدین بندنجینی را به قاضی‌القضاتی، امیر سیف‌الدین را به مقام بیتکچی و علی بهادر را به شحنگی بغداد منصوب کرد (بیانی، ۱۳۸۹: ۱/۳۳۸-۳۴۱).

عطاملک جوینی برای رشد و شکوفایی شهر بغداد از هیچ کوششی دریغ نکرد، اما به علت بی‌اعتمادی به قدرت ایلخانی، مجدالملک یزدی با اتهام‌هایی مثل ارتباط با ملوک شام و مال‌اندوزی، برای عطاملک در دسرهایی ایجاد کرد که باعث به زندان افتادن او و دلسردی‌اش از حکمرانی بغداد شد (بیانی، ۱۳۸۹: ۲/۴۰۳). احمد تکودار پس از آنکه به قدرت رسید، چون ارادت ویژه‌ای به عطاملک جوینی داشت او را دوباره به فرمانروایی بغداد رساند که اجل به وی مهلت نداد و در سال ۶۸۱ هجری قمری به دیار باقی شتافت (وصاف الحضرة، ۱۳۴۶: ۶۳-۶۹). شرف‌الدین هارون، فرزند شمس‌الدین پس از عمویش عطاملک جوینی به فرمانروایی رسید (اقبال، ۱۳۴۷: ۱/۲۲۳). پس از قتل احمد تکودار، حکومت ایلخانی به ارغون رسید و با توجه به اینکه بودایی مذهب بود، بر مسلمانان سخت‌گیری کرد (میرخواند، ۱۳۳۳: ۳/۱۲۹) و وزیر او سعدالدوله کاملاً بر بغداد سیطره یافت و پس از آنکه دل ارغون را به دست آورد، مجوز برکناری و در ادامه، قتل شرف‌الدین هارون را گرفت و برادرش فخرالدوله را به حکمرانی شهر بغداد رساند (بیانی، ۱۳۸۹: ۲/۴۲۲). بعد از بروز نابسامانی‌هایی در شهر، خان مغول بغداد را هم‌زمان به سه نفر از دیوانیان سپرد که صاحب دیوان، مأمور مالیات و مشرف بودند. وظیفه مشرف نظارت بر آن دو بود و او چشم و گوش خان در شهر بغداد بود. پس از امیر ارغون تا دوران بایدو، وضعیت شهر بغداد مساعد نبود تا اینکه غازان خان به مقام ایلخانی رسید و به این شهر سروسامان داد.

انحطاط و رکود اقتصادی بغداد در واپسین دهه های خلافت عباسیان

عوامل متعدد سیاسی، اجتماعی، مذهبی و... در روند انحطاط اقتصادی بغداد تأثیرگذار بود. در دوران عظمت خلافت عباسی به علت نظارت دقیق بر همه امور، شرایط برای شکوه و رونق اقتصادی بغداد فراهم بود، اما در دوران امیرالامرایان، دیلمیان، سلجوقیان و پس از آنان، چون



بغداد دوران پرتنش را سپری می‌کرد، وضعیت کشاورزی و تجارت نابسامان شد. نمونه‌ای از فروپاشی اقتصادی نظام خلافت، شرایط آب و هوایی و اقلیمی بود که با طغیان‌ها و خلل در رودها به زمین‌های کشاورزی آسیب جدی وارد می‌کرد و، یا موجب خشکسالی، قحطی، کمبود محصولات زراعی و گرانی نرخ اجناس می‌شد. همچنین، سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد اقتصادی در زمینه اخذ خراج و مالیات، مصادره اموال، نبود نظارت بر بازار، بی‌توجهی به خطوط ارتباطی بغداد که گذرگاه‌های اصلی واردات و صادرات بودند، موجب اختلال در امر تجارت و رکود اقتصادی شد. در این بخش مطالبی درباره فروپاشی اقتصادی - در زمینه‌های کشاورزی، تجاری و صنعت - نظام خلافت در طی دوران پانصدساله بیان می‌کنیم.

منصور شهر بغداد را به جهت استحکامات نظامی و رونق تجارت، در منطقه‌ای میان دو رود دجله و فرات بنا کرد (یعقوبی، ۱۳۷۸: ۴-۸). رود دجله مهم‌ترین راه بحری به شهر بغداد بود، ولی برای این شهر ددرسهایی به همراه داشت که مهم‌ترین آن طغیان مکرر دجله بود. گاهی هم طغیان رود فرات بر مشکلات می‌افزود. طغیان‌های مکرر دو رود دجله و فرات، خسارات فراوانی به زمین‌های کشاورزی وارد می‌کرد که این خسارات نابودی محصولات زراعی و افزایش قیمت را در پی داشت. در سال ۳۲۸ هجری قمری طغیان دجله موجب غرق شدن بسیاری از مردم و چهارپایان، شکسته شدن پل‌ها و ورود آب به نواحی غربی بغداد شد (ابن کثیر، ۱۹۹۸: ۵۸۶/۷). در سال ۳۷۰ هجری - قمری فیضان رود فرات بسیاری از زمین‌ها و محصولات کشاورزی را زیر آب برد و پل‌ها شکست (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۴۴۳/۵). در سال ۵۴۶ هجری قمری طغیانی دیگر در دجله صورت گرفت که شدت آن باعث شکافته شدن مجرای آب‌بند نهروان شد و خسارات فراوانی بر مردم وارد آورد (همان، ۱۳۷۱: ۸۶/۷). شدیدترین طغیانی که در مورد دجله گزارش شده، به سال ۶۴۶ هجری قمری برمی‌گردد که خسارات مالی و تلفات جانی بسیاری به بار آورد و مردم قادر به جلوگیری از ورود آب به شهر نبودند. دیوارها و کاروانسراهای بغداد، محله‌های شطانیه، سوق‌المدرسه و درب-المسعود ویران شد. ارتفاع آب در مدرسه نظامیه به شش ذراع رسید و محله رصافه در آب غرق شد. محله‌های جانب غربی بغداد از حربه تا حلیات منهدم شدند؛ فقط، قسمتی از باب البصره و



کرخ در امان ماند. بارو و خانه‌های مشهد کاظمین ویران شد و مرقد ائمه را آب فرا گرفت. محله حریم طاهری جامع منصور، رباط زوزنی و قبور خلفاء نیز در آب فرورفت و ویران شد. اهالی فقط به فکر نجات جان خود بوده و به دارایی خود نمی‌اندیشیدند. با این حال، بسیاری از خانه‌ها بر سر ساکنانش خراب شد (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۱۴۶-۱۴۷).

در کنار طغیان این دو رود، بغداد با مشکل دیگری مانند پایین رفتن سطح آب و کم‌آبی هم روبه‌رو بود. در گزارش‌هایی که از سال‌های ۴۰۰ و ۵۷۲ هجری قمری در منابع موجود است، نقصان آب به حدی رسیده بود که جزایر بسیاری از زیر آب بیرون آمد و کشتی‌ها در میان شط متوقف شدند (کریمی‌قهی، ۱۳۹۸: ۷۳). بالا و پایین آمدن آب دجله و فرات همواره به زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها آسیب‌زده و موجب نابودی محصولات می‌شد. در نتیجه، بازار با کمبود محصولات کشاورزی مواجه می‌شد و قیمت محصولات بالا می‌رفت. از سوی دیگر، طبقه ضعیف جامعه امکان خرید محصولات را نداشت، با فقر و گرسنگی دست‌وپنجه نرم می‌کرد. در کنار فیضان و نقصان دو رود دجله و فرات، کشاورزی در عراق عرب و شهر بغداد با بلایا و صدمات دیگری هم روبه‌رو بود که تغییرات ناگهانی آب و هوایی، وزش بادهای سرد و آفات زراعی نمونه‌هایی از آن است. سرمای شدید در سال‌های ۴۵۹ (ابن کثیر، ۱۹۹۸: ۲۰۴/۸)، ۵۷۲ (ابن جوزی، ۱۳۴۲: ۱۰۲/۱۶) و ۵۷۳ (ذهبی، ۱۹۹۸: ۱۲/۴۰) هجری قمری، خسارات بسیاری به کشاورزان وارد کرد. آفات زراعی نیز همواره مشکل‌ساز بود، مثلاً ابن اثیر در سال‌های ۵۴۱ و ۶۲۰ هجری قمری گزارش می‌کند که هجوم ملخ‌ها به مزارع شهرهای مختلف عراق، قسمت زیادی از غلات و سبزیجات را از بین برد. این امر مردم موصل را در سال ۶۲۰ هجری قمری با کاهش خواروبار و گرانی مواجه کرد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۶۰۶/۷). در کنار شرایط آب و هوایی و اقلیمی، سیاست‌گذاری‌هایی خلفا و امیران نیز وضع کشاورزی را بحرانی‌تر می‌کرد و تا سر حد نابودی می‌برد. نمونه‌ای از این اقدامات سیاست اقطاع بود.

در دوره امارت آل‌بویه بر بغداد به علت سیاست‌گذاری‌ها، اوضاع اقتصادی بغداد رو به نابسامانی رفت. معزالدوله برای تأمین حقوق سپاه، به اخذ مالیات از راه‌های غیرقانونی اقدام کرد. او به همین منظور مالیات املاک خالصه سلطنتی، املاک مالکان فراری و مناطق خرده مالکی را به تیول در اختیار سرداران ترک و دیلمی خویش قرارداد تا جایی که بیشتر سواد از دست کارگزاران دولتی



خارج شد و به صورت اقطاع در اختیار مالکان قرار گرفت. به این ترتیب جز اندکی از مناطق آزاد باقی نماند. سیاست واگذاری اقطاع به سرداران، به کاهش امور دیوانی و از بین رفتن دفاتر بازرسی و دیوانی انجامید (ابن مسکویه، ۱۳۳۲: ۱۳۱/۶-۱۳۵). عدم استفاده بهینه از اقطاعات، به زودی موجب از بین رفتن اراضی کشاورزی و کاهش محصولات و درآمد شد. با وجود این، سیاست اقطاع تا اواخر خلافت عباسی اجرا شد و اوضاع کشاورزی بغداد را با بحران اقتصادی مواجه کرد.

شهر بغداد چهارراه بزرگی بود که به مناطق مهم شام، عربستان، ایران، مصر، چین، هند، حبشه، تبت، خزر، دیلم، ارمنستان و روم مربوط می شد (یعقوبی، ۱۳۷۸: ۴-۶). علاوه بر آن از طریق راه های دریایی هم با دیگر مناطق در ارتباط بود. رکن مهم اقتصاد بغداد تجارت بود که از طریق راه های بری و بحری انجام می شد. علاوه بر صادرات کالا که بخشی از درآمد تجار را تأمین می کرد، بغداد برای تأمین مواد غذایی به واردات متکی بود. راه های بغداد بر اثر جنگ میان مدعیان خلافت و امیرالامرای و افزایش ناامنی و راهزنی مختل شده و کاهش واردات موجب رکود تجارت شده بود. سیاست هایی که در جریان رقابت های سیاسی و جنگ های داخلی برای غلبه بر رقیب اتخاذ می شد، تبعات سوء اقتصادی در پی داشت. سیاست های دقیق خلفای عصر اول عباسی موجب رونق بازارهای بغداد شد، اما با به قدرت رسیدن ترکان، دیلمیان، سلجوقیان و خلفای دیگر، تاخت و تازهای سیاسی و کشمکش های مذهبی افزایش یافت. ناامنی در راه های بغداد، نظارت بر بازار را کاهش داد که غارت و آتش زدن بازارها را در پی داشت. از قرن دوم تا سال ۶۵۶ هجری قمری، بارها و بارها، بازارها دستخوش آتش سوزی و غارت قرار گرفت که وقوع این آتش سوزی ها خسارات جبران ناپذیری به تجار وارد می کرد. در سال ۴۶۵ هجری قمری به علت درگیری میان اهالی کرخ و ساکنان باب البصره و قلائین، بخش بزرگی از محله کرخ به آتش کشیده شد (ابن کثیر، ۱۹۹۸: ۲۳۸/۸). در سال ۴۸۷ هجری قمری اهالی نهر طابق و باب الأرجا درگیر شدند و محله نهر طابق به آتش کشیده شد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۳۵۷/۶). همچنین آتش سوزی ها در اواخر خلافت عباسی ادامه یافت و موجب ویرانی بازار و محله های بغداد شد.



گزارش‌های تاریخی از وضعیت اقتصادی در بغداد در عصر ایلخانان

یکی از ارکان اقتصادی سرزمین عراق و شهر بغداد کشاورزی بود که بر اثر حمله مغولان به این شهر به اختلال دچار شد. اقتصاد کشاورزی شهر بغداد قبل از حمله مغولان، به خاطر فیضان و نقصان دو رودخانه دجله و فرات و وجود آفات و همچنین سیاست‌گذاری‌های سیاسی خلفا و امیران تخریب شده بود، ولی پس از آنکه مغولان این شهر را تسخیر کردند و حکمرانی آن را به عطاالملک جوینی سپردند، اقدامات مهمی در بهبود وضعیت کشاورزی انجام شد که از تخریب بیشتر اقتصاد کشاورزی بغداد جلوگیری کرد. عطاالملک در ابتدای کار، به لای‌روبی و احداث انهار جدید پرداخت چون در زمان خلفا لای‌روبی انهار با مشکلاتی روبه‌رو بود. اولین اقدام کشاورزی او در شهر بغداد، ساخت دولاپ‌هایی بود که آب را به مدرسه مستنصریه می‌برد و، یا اقدام به بازسازی سدی در ناحیه مسجد قمریه کرد (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۲۱۸). عطاالملک هرچند همه تلاش خود را در این زمینه انجام داد، اما چون در دربار ایلخانی بی‌اعتمادی و ضعف مدیریت حکم‌فرما بود، دشمنی افرادی از حکومت ایلخانی را علیه او برانگیخت و اقدامات او را با وقفه مواجه کرد. این کارشکنی‌ها تا حدی بود که پس از فراغت عطاالملک از دشمنانش، اجل به او مهلت نداد و او در سال ۶۸۱ هجری قمری درگذشت و بسیاری از اقداماتش را ناتمام ماند. پس از عطاالملک، حکومت بغداد چندان قوی نبود، در نتیجه، مستقیماً زیر نظر پادشاهان ایلخانی اداره می‌شد.

پس از چند سال بی‌توجهی به بغداد، درنهایت، غازان‌خان به کشاورزی نگاه ویژه‌ای کرد و باعث رشد کشاورزی در بغداد شد. او در سال ۶۹۸ هجری قمری برای بهبود وضعیت کشاورزی دستور داد آبراه جدیدی از شمال حله تا کربلا حفر کنند. بعد از مدت‌زمانی باغات و مزارع در کنار آن به وجود آورد که مکانی برای تأمین آذوقه بغداد و نواحی اطراف آن شد. به گفته مورخان، عرض این آبراهه‌ها به اندازه‌ای بود که قایقرانی در آن امکان‌پذیر بود (خصب‌اک، ۱۹۶۸: ۹۳). غازان‌خان در کنار توجه به آبراهه‌ها به اقدامات دیگری در زمینه کشاورزی دست زد، از جمله به عمران و آبادانی زمین‌های بایر روی آورد. مردم به خاطر ترس از شرایط حاکم به عمران و آبادی زمین‌ها نمی‌پرداختند، چون بر این باور بودند که اگر زمینی را آباد کنند، پادشاهان و حکومت ایلخانی آن را باز پس می‌گیرند. غازان‌خان برای اینکه مردم را به کشت و کار ترغیب کند در ابتدا، طبق فرمانی زمین‌های خالصه بایر را به سه دسته تقسیم کرد: نخست، زمین‌هایی که آبادتر و آب و جوی آنها



مهیا بود و خرج کمتری داشت، دوم، زمین‌هایی که از نظر آبادانی وضعیت متوسط داشتند. سوم، زمین‌هایی که خرابی‌های بسیار داشت و معمور کردن آن سخت بود. غازان‌خان برای آن که کشاورزان را تشویق کند، سال اول آنان را از مالیات دیوانی معاف کرد و در سال‌های بعد، بر اساس مقدار بهره‌برداری از زمین، حق تلاش، سهم کشاورز و حصه دیوان را در هر یک از سه قسم مذکور به تفاوت تا سه سال معین کرد. وی پس از سروسامان دادن به امور کشاورزی دستور داد تا از زمین‌های بایر هر ولایتی صورت‌برداری و هر دو سال یکبار به آن رسیدگی کنند تا بداند تا چه حد آباد و تا چه حد ویران شده‌اند و، یا دریابد که نواب هر ولایت خودشان آن اراضی را برداشته‌اند، یا با کسی شریک شده‌اند. این دقت نظر غازان‌خان به گفته خواجه رشیدالدین فضل‌الله با توسعه و عمران مملکت و آباد شدن املاک بایر همراه شد و محصولات کشاورزی هم افزایش یافت (رشیدالدین، ۱۳۶۲: ۱۱۰۷/۲-۱۱۰۸).

وضعیت کشاورزی در بغداد از حمله مغول تا پایان قرن هفتم هجری قمری، چندان نامساعد جلوه نمی‌کرد. شاید به این علت که مورخان شرایط را بد جلوه نمی‌دادند، اما با توجه به نوع زندگی مغولان احتمالاً وضعیت کشاورزی و حیات روستایی در پویایی و شادابی نبود، زیرا مغولان زندگی ایلپاتی و قبیله‌ای را می‌پسندید و در این نوع زندگی پرورش‌یافته بودند، طبیعتاً به زندگی روستایی و شهری توجه در خوری نشان نمی‌دادند. هم از این رو که مغولان و ایلخانان با ممالیک تقابل داشتند در نتیجه، نمی‌توانستند به اوضاع کشاورزی این شهر که در آن زمان به استان تبدیل شده بود، توجه چندانی نشان دهند. قبل از حمله هلاکو به بغداد، چنگیزخان فتوحات را آغاز کرده بود و پس از گسترده‌گی قلمرو به اهمیت تجارت و بازرگانی پی برد. چنگیزخان برای تجارت و امنیت و ثبات در مسیرهای تجاری اهمیتی زیادی قائل بود و یکی از مهم‌ترین کارهای موردتوجه‌اش رونق بخشیدن به مسیرهای تجاری بود. با توجه به گسترده‌گی قلمرو مغولان زمینه‌های رشد و رونق تجارت بیشتر مهیا شد (رضوی، ۱۳۸۸: ۲۲). به‌رغم خرابی‌های بغداد، حکومت مغولی نمی‌توانست از آن چشم‌پوشد. توجه ویژه مغولان و ایلخانان به تجارت و بازرگانی، اهمیت این شهر را برای آنها دوچندان می‌کرد. شهر بغداد در زمینه تجارت از دو حیث



اهمیت داشت. نخست، راه خشکی که در مسیر جاده ابریشم قرار گرفته بود و دیگری تجارت دریایی که کاروان‌های تجاری از طریق خلیج فارس بارهای ادویه را جابه‌جا می‌کردند.

تجارت برای ایلخانان بسیار مهم بود، ولی در شهر بغداد بر اثر حمله مغولان بی‌سروسامان و بی‌نظم شده بود. در نتیجه، کاروان‌های تجاری کمتر به شهر بغداد روانه می‌شدند. یکی از دلایل بی‌نظمی بغداد افزایش افراد خربنده و زورگو بود که باعث تشویش مردم و ناامنی شهر می‌شد. خواجه رشیدالدین این افراد را این‌گونه معرفی می‌کند: «هر بزرگ معتبر صاحب ناموس و خواجه که در بازار رفتی به جهت معامله‌ای و استحمام، چند خربنده پیرامون او درمی‌آمدند و می‌گفتند که ما را چندین زر باید داد که امروز وجه شراب و مطرب و نان و گوشت و حویج و دیگر مایحتاج ما باشد به کار می‌آید و تو را می‌باید داد و اگر ندادی یا عذر گفתי سفاهت می‌کردند و عاقبت الامر یا زر می‌ستدند و یا او را بسیار می‌زدند و بسیار بودی که زر نداشتی و قرض بایستی کرد و زر و عرض و ناموس رفته از بازار بیرون بایستی آمدن.» (رشیدالدین، ۱۳۶۲: ۱۱۱۱/۲-۱۱۱۳) این وضعیت، زندگی را در این شهر سخت کرده بود تا اینکه غازان خان در پی اصلاحات کشاورزی، اصطلاحاتی هم در زمینه تجارت و امنیت انجام داد. او دستور داد: «هر خربنده و شتربان و پیک که از کسی چیزی خواهد او را به یاسا رسانند» و در پی آن به مردم اعلام شد که دیگر چیزی به خربندگان و شتربانان و پیک‌ها ندهند. به این صورت بود که امنیت حکم‌فرما شد (همان، ۱۳۶۲: ۱۱۶۱/۲-۱۱۶۸).

نکته قابل‌بیان دیگر در زمینه تجارت این است که وضعیت بحرانی تجارت در قرن‌های ششم و هفتم هجری قمری به‌گونه‌ای بود که اوضاع مساعدی برای رشد تجارت بغداد فراهم نمی‌کرد، اما با آمدن مغولان و استقرار حکومت ایلخانی، موانع تجارت - همانند ناامنی در راه‌های تجاری، اختلافات فرقه‌ای و مذهبی و وجود افراد زورگو که به بازارها آسیب می‌زد - از میان رفت. به عبارتی دیگر، مغولان وضعیت ضعف و فتور و رکود مزمنی که در اواخر خلافت عباسی حکم‌فرما شده بود، تغییر دادند. با وجود این، در زمینه تجارت نتوانستند پویایی تجاری زمان خلفای نخستین را زنده کنند.

رونق صنعت پس از فتح بغداد روی داد. اسقرار عطا ملک جوینی بر بغداد و اقداماتی که انجام داد در این توسعه مؤثر بود. در دوران ایلخانی، در زمینه صنعت و هنر به‌ویژه در صنایعی مثل



اسلحه‌سازی، خوشنویسی، نساجی و بافت پارچه‌های زربفت، رونق نسبی حاصل شد. این صنایع به علت تأمین نیازهای معیشتی و تدارکات نظامی، رشد قابل توجهی پیدا کردند. وجود افراد کاردان در اداره شهر بغداد، ماهیت تجاری شهر و همچنین تقابل با ممالیک مصر از علل این رشد بود. سید ابوالفضل رضوی به نقل از مارکوپولوی معروف، اهمیت تجاری و صنعتی شهر بغداد را این‌گونه بیان می‌کند: «تمام مرواریدهایی که از کشور هندوستان به سرزمین مسیحیان صادر می‌شد در بغداد آماده و پرداخته می‌شد و میان بغداد و خلیج فارس از طریق دجله ارتباط برقرار بود.» (رضوی، ۱۳۸۸: ۱۹۳)

هلاکو به محض استقرار در شهر بغداد، علی بهادر را به شحنگی «ارتاقان» و «اوران» منصوب کرد و ابن‌دربوس را به ریاست مسند خازن کارخانجات رساند (قوامی، ۱۳۹۸: ۷۰). عباس اقبال در کتاب خود به نقش حکام مسلمان در توسعه صنعت در بغداد چنین اشاره کرده است: در عهد حکومت عطاملک جوینی کارخانجات بغداد به واسطه تشویق او اعتبار و شهرت یافت. یک قسمت عمده از هدایای تقویمی وی به دربار ایلخانان پارچه‌های زربفت قیمتی کارخانجات بغداد بود (آشتیانی، ۱۳۸۸: ۵۵۹). از کارخانه‌های مهم عصر ایلخانی، کارخانه فردوس بود که احتمالاً سابقه آن به اقدامات عصر هلاکو و فعالیت‌های عطاملک جوینی برمی‌گردد. ترقی موقعیت خواجه تاج‌الدین علیشاه در زمان الجایتو از سرپرستی همین کارخانه‌های بغداد آغاز شد (رضوی، ۱۳۸۸: ۳۶۹). در عهد الجایتو اهمیت کارخانه‌های نساجی بغداد تا آنجا رسید که خواجه تاج‌الدین ساوجی برای دور کردن رقیب خود یعنی، تاج‌الدین علیشاه، او را که داعیه وزارت داشت به ریاست کارخانه‌های بغداد فرستاد و علیشاه به زودی چنان امور کارخانه‌ها را مرتب کرد که پیش از او کسی آن را به آن خوبی اداره نکرده بود. او در مدتی قلیل در آنجا پارچه‌هایی تولید کرد که تا آن زمان به پارچه‌ای به گران‌بهای آنها فراهم نشده بود (آشتیانی، ۱۳۸۸: ۵۵۹). در زمینه هنر و خوشنویسی، جمال‌الدین یاقوت مستعصمی در پرتو توجهات عطاملک جوینی تحولات شگرفی در این هنر به وجود آورد و ایجاد کارگاه‌های خوشنویسی در بغداد توسط عطاملک، سرمشق دیگر دولتمردان ایلخانی در بنای چنین کارگاه‌هایی شد (رضوی، ۱۳۸۸: ۳۶۲). با توجه به نیاز ایلخانان به لباس و شمشیرهای خوب،



صنایع نساجی و اسلحه‌سازی در بغداد رشد قابل‌توجهی کردند، اما در باره دیگر صنایع بغداد چنین رشد و پویایی گزارش نشده است.

نتیجه‌گیری

بر طبق مطالعات تاریخی، بغداد یکی از مهم‌ترین شهرهای تمدن اسلامی است که بعد از سلطه عباسیان بر مسند خلافت در عهد منصور و با مساعدت و طراحی ایرانیان ساخته شد. بعد از تسخیر شهر توسط مغولان شهر نسبتاً ویران شد. دیوان‌سالاران ایرانی و کارگزاران متبحری چون عطا ملک جوینی و برادرزاده‌اش به مدت بیست و چهار سال بر آن حکمرانی کردند و توانستند بخشی از ویرانی‌ها را مرمت و شهر را مجدداً احیا کنند، اما ویرانی زیرساخت‌ها و مشکلات ناشی از حمله مغول، کار بازسازی را کند می‌کرد. پس از چندی، به علت درآمدهای فراوان حاصل از تجارت، توجه داعیان قدرت به بغداد معطوف شد. ضعف مدیریتی حاکم بر دربار ایلخانی موجب شد تا تنش‌ها و درگیری‌هایی برای تصاحب این شهر صورت بگیرد، به گونه‌ای که عطا ملک چندین بار به زندان افتاد و برادرزاده‌اش نیز به قتل رسید. بغداد پس از خاندان جوینی تا اواخر قرن هفتم هجری قمری زیر نظر مستقیم امیران ایلخانی اداره می‌شد. در زمینه عوامل زوال سیاسی خلافت عباسی مواردی همانند اختلافات مذهبی، تنش‌های سیاسی میان ایرانیان و ترکان و نیز تنش با خلفای عباسی و تصمیمات امیران بویه‌ای و سلاطین سلجوقی قابل ذکر است. بررسی‌های تاریخی نشان داد که در زمینه کشاورزی حملات مغول، به زیرساخت حیات زراعی و نظام زمین‌داری بغداد لطمات جدی زد. همچنین، زندگی ایلاتی و قبیله‌ای و رویکردهای نظامی مغولان و عدم توجه به کشاورزی، لطماتی جبران‌ناپذیری به حیات کشاورزی وارد کرد. بی‌توجهی به کشاورزی تنها ناشی از آسیب حمله مغول نبود، بلکه کم‌توجهی خلفای عباسی به لایروبی و احیای انهار و ترعه‌ها و سیل‌بندها که خرابی‌های فراوان و مکرری برای این شهر ایجاد کرده بود، زمینه نابودی کشاورزی بغداد را پیش‌تر از آن فراهم آورده بود. در واقع حمله مغول ضربه آخر را بر اقتصاد شهر وارد کرد؛ هرچند عطا ملک و غازان‌خان به محض رسیدن به قدرت دستور دادند که انهار و ترعه‌ها ساماندهی و سیل‌بندها ترمیم و تقویت شوند. یکی دیگر از نتایج این تحقیق در زمینه تجارت است. برخلاف انتظار که گمان می‌رود حمله مغولان رکود تجارت را موجب شد، رکود تجارت از زمان تضعیف دستگاه خلافت عباسیان به دست آل‌بویه آغاز شده بود، اما در واپسین روزهای عمر طولانی



خلافت که مقارن با حمله مغولان است، ظواهر رکود کاملاً نمایان شد. تحقیقات نشان داد که دولت و خلافت عباسی در آخرین ماه‌ها و سال‌های خلافت از ضعف و فتور و رکودی مزمن رنج می‌برد و حمله مغولان تنها زمینه‌های توقف کامل آن را برای چند دهه ایجاد کرد. پس از آن بغداد هرگز شکوه تجاری ادوار قبل را به دست نیاورد. در زمینه صنعت، تحقیقات نشان داد که حمله مغولان عمده زیرساخت‌های صنعتی بغداد را از بین برد، اما به‌رغم از میان رفتن صنایع مهم شهر بغداد، به دلیل رویکرد نظامی مغولان و علاقه شدید آنان به کشورگشایی و نیاز دائمی به سلاح و جنگ‌افزار، صنعت اسلحه‌سازی بغداد رو به رشد نهاد. بررسی‌ها حاکی از آن است که صنایع مستظرفه و صنعت‌های خانگی همگی از بین رفتند و در دوره ایلخانان صنایع بغداد هرگز نتوانست به اوج قبلی خود برسد.



منابع و مطالعات

- ابن‌اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱)، *الکامل*، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: موسسه مطبوعات علمی.
- ابن جوزی، جمال‌الدین ابی الفرج عبدالرحمن بن علی (۱۳۴۲ق.)، *مناقب بغداد*، به تصحیح و تعلیق محمد بهجت‌الاثری البغدادی، بغداد: دارالسلام.
- ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۹۹۸)، *البدایه و النهایه و معه نهایه البدایه و النهایه فی الفتن و الملاحم*، به کوشش یوسف الشیخ محمد البقاعی و صدقی جمیل العطار، مجلدات ۷ و ۸، بیروت: دارالفکر.
- ابن‌فوطی، عبدالرزاق بن احمد (۱۳۸۱)، *حوادث الجامعه*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ابن‌مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد (۱۳۳۲)، *تجارت الامم*، تحقیق دیه غویه، قاهره.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۴۷)، *تاریخ مفصل ایران از استیلای مغول تا اعلان مشروطیت*، جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- (۱۳۸۸)، *تاریخ مغول*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بیانی، شیرین (۱۳۸۹)، *دین و دولت در ایران عهد مغول*، مجلدات ۱ و ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- خسب‌اک، جعفر حسین (۱۹۶۸)، *العراق فی العهد المغول الایلخانین*، بغداد: مطبعه العانی.
- خواند میر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین الحسینی (۱۳۳۳)، *تاریخ حبیب السیر*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، جلد ۳، تهران: کتاب‌فروشی خیام.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد (۱۹۹۸)، *تاریخ الاسلام او و فیات المشاهیر و الاعلام*، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، جلد ۴۰، بیروت: دار الکتاب العربی.
- رضوی، سید ابوالفضل (۱۳۸۸)، *شهر، سیاست و اقتصاد در عصر ایلخانان*، تهران: امیرکبیر.
- (مهر ۱۳۸۸) «راه‌های تجاری درون‌مرزی در عصر ایلخانان»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۳۷، صص ۲۲-۳۵.



سید قوامی، فاطمه، مصطفی ناصری‌راد (پاییز ۹۸)، «ایلخانان و ضرورت‌های بازسازی بغداد»، مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۴۲، صص ۷۱-۶۹.

طقوش، محمد سهیل (۱۳۸۳)، دولت عباسیان، ترجمه حجت‌الله جودکی، تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه.

فضل‌الله همدانی، رشید الله (۱۳۶۲)، جامع التواریخ، تصحیح بهمن کریمی، مجلدات ۱ و ۲، تهران: انتشارات اقبال.

کریمی‌قهی، منصوره (پاییز ۱۳۹۸) «تأثیر شرایط اقلیمی و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی بر انحطاط اقتصادی شهر بغداد در عصر خلافت عباسی»، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، شماره ۲، صص ۸۷-۶۹.

وصاف‌الحضره، فضل‌الله بن عبدالله شیرازی (۱۳۴۶)، تحریر تاریخ وصاف، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب ابن واضح (۱۳۷۸)، البلدان، ترجمه محمدابراهیم آیتی، جلد ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

Curtin j, The mongols (۱۹۰۸) , Boston.

